

# خصوصی سازی در آموزش عالی

رشته: **پدافند مهر علی زاده**

## فرضیه‌ها و واقعیات

خصوصی سازی آموزش عالی پدیده جدیدی در دنیای اقتصاد نیست. در بسیاری از کشورهای جهان، بخش خصوصی به صورت محدود یا مسلط نقشهایی را بر عهده دارد. در بعضی از کشورها سابقه خصوصی سازی به سالهای گذشته بر می گردد. با این حال خصوصی سازی در دنیای امروز به عنوان یک استراتژی سیاسی برای توسعه آموزش اهمیت بیشتری پیدا کرده است. این اهمیت اساساً از یک طرف به خاطر تورم و در بعضی از کشورها کاهش بودجه دولتی آموزش و پرورش و از طرف دیگر افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی و ظهور شعارهای عمومی ساختن آموزش عالی برای همگان می باشد که البته در همه موارد صادق نیست (Roderick and Steplens, 1974)

رشد خصوصی سازی در دو تا سه دهه گذشته در کشورهای جهان قابل توجه بوده است (جدول یک). تعداد گانجها و دانشگاههای خصوصی افزایش یافته و افزایش نرخ ثبت نام در مؤسسات خصوصی سریعتر از ثبت نام در مؤسسات دولتی بوده است. به عنوان مثال نرخ رشد آموزش عالی دولتی از اواسط سال ۱۹۶۰ تا اواسط سال ۱۹۷۰ در کلمبیا ۱/۷ درصد و در پرور ۲/۰۳ درصد بوده است (Drudersohn, 1978, P.46). در بسیاری از کشورها سهم ثبت نامها در آموزش خصوصی و تعداد مؤسسات خصوصی نسبت به کل مؤسسات آموزش عالی بیشتر از نصف می باشد. (جدول دو و سه را ببینید)<sup>(۱)</sup>

آموزش خصوصی به دلایل مختلف رشد یافته است که دو دو مقوله کلیدی تقاضای فزاینده و نقایص متفاوت برای آموزش عالی قابل بررسی است. (James, 1978)

اولاً: تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی بر عرضه دولتی فزونی داده و بخش خصوصی تلاش می کند تقاضاها را پاسخ

۱- این مقاله به نام Sandheela B.G. Titik نگارش یافت و در مجله مدیریت عالی، جلد ۱۱، مورخ بهار ۱۳۱۲، چاپ رسیده است.

دهد (7). ثانیاً، تانفاها برای کیفیت بهتر و برتری آموزشها نظیر آموزش مذهبی به لحاظ عرضه زمینه‌ساز افزایش خصوصی سازی است. مؤسسات خصوصی در تأمین آموزش عالی به دلیل نوع آموزش با سرآلودگی آسازگار دارند که متنافع آن به صورت اجتماعی و سیاسی با اقتصادی باشد.

### انواع مؤسسات آموزش عالی خصوصی

نظامهای آموزش عالی در دنیای معاصر تنوع زیادی دارند در این زمینه دو نوع عمده قابل تشخیص است: نظامهای آموزش عالی دولتی که آموزش عالی توسط دولت فراهم و تأمین مالی می‌شود و نظامهای آموزش عالی ترکیبی که در آنها بخشهای دولتی و خصوصی بخشهای متفاوتی دارند. نظام آموزش عالی ترکیبی در کشورهای مختلف تنوع دارد. در مولدوی این نظام تحت تسلط بخش خصوصی قرار دارد و بخش دولتی محدود شده است. نظیر بسیاری از کشورهای مانند ژاپن، جمهوری کره، فیلیپین و کلمبیا که اقتصاد آزاد دارند. در کشورهای دیگر نیز بخش دولتی تسلط دارد، نظیر کشورهای آسیای جنوبی (هندوستان)، آفریقا و اروپای غربی. در این گونه نظامها به طور کلی بخش دولتی و خصوصی به موازات عملکرد قرار دارند. در بعضی از کشورهای مرفه نظیر هلند و بلژیک هر دو نظام با استفاده از منابع دولتی در چرخه هم قرار دارند، در نظامهایی که بخش خصوصی از نقش محدودی برخوردار است نظیر سوئد، انگلستان، فرانسه، اسپانیا، تایوان و غیره بخش خصوصی در حاشیه قرار دارد (Geiger, 1987).

در عمل، تمایز بین خصوصی با دولتی بودن یک مؤسسه آموزش عالی روشن نمی‌باشد. اگر ملاک منابع مالی باشد. یک دانشگاه خصوصی ممکن است. بخش قابل توجهی از منابع خود را از دولت تأمین نماید و ممکن است یک دانشگاه دولتی نیز بخش اعظم منابع خود را از بخش خصوصی تأمین کند. همچنین اگر ملاک مدیریت باشد، ممکن است یک مؤسسه خصوصی تحت نظارت مقامات دولتی باشد یا براساس ضوابط و مقررات دولتی اداره شود. به گونه دیگری ممکن است مؤسسات با براساس ویژگی آنها یعنی اختصاصی، یا غیرانتفاعی، بودن تقسیم کرده به هر جهت این مسائل حکایت از وجود ابهام در اصطلاح خصوصی سازی دارند.

انواع مختلف در مؤسسات آموزش عالی خصوصی را می‌توان در چهار مقوله طبقه‌بندی نمود. (Tilak, 1992)

۱- نوع کاملاً خصوصی که در آن مؤسسه تحت نظارت و اداره بخش خصوصی است و دولت مداخله اشکلی در اداره مؤسسه دارد. این گونه مؤسسات که از لحاظ مالی مستقل هستند. در گسترش آموزش عالی به دولت کمک می‌کنند.

۲- مؤسساتی که هزینه کامل خود را از استفاده کنندگان نظیر دانشجو، کارفرمایان یا هر دو تأمین می‌کنند. به لحاظ نقش که آموزش عالی در بازار کار دارد این نوع خصوصی سازی ممکن است انجام پذیر نباشد و البته به لحاظ تجربی نیز احتمال دارد عملی نباشد.

۳- نوع میانگینی از خصوصی سازی وجود دارد که در آن دولت آموزش عالی را ارائه می‌دهد و لیکن سهم قابل توجهی از منابع مالی را بخش غیردولتی تأمین می‌کند. از آنجایی که آموزش عالی یک کالای نیمه-دولتی است (Tilak, 1992) تأمین مالی شده‌تر است آن به لحاظ اقتصادی قابل توجه نمی‌باشد. همچنین افراد از آموزش عالی متنافعی بدست می‌آورند، از این رو معقول نخواهد بود که آنان سهمی از هزینه‌ها را برعهده داشته باشند. بنابراین دولت، دانشجو، کارفرمایان و خانواده‌های آنان بودجه عمومی آموزش

عالی را تأمین می کنند.

۶- آخرین نوع خصوصی سازی المثنی نامیده می شود که واقعا نمی توان آن را خصوصی سازی نامید. این نوع مؤسسات توسط گروه های خصوصی تأسیس می شوند؛ اما از کمک های دولت بهره مند می گردند. و هزینه های خود را از دولت تأمین می کنند. بخش قابل توجهی از مؤسسات آموزش عالی در کشورهای مختلف جهان این گونه هستند و تقریباً برای تأمین کلبه هزینه های جاری از منابع دولتی استفاده می کنند. از این رو به لحاظ مالی چنین دانشگاه های خصوصی نقش مهمی را ایفا نمی کنند (۳).

علاوه بر این اشکال، تحلیل کلی تری از نقش بخش خصوصی در آموزش عالی قابل ترسیم است. به هر حال، تصمیم حائس که در زیر ارائه می شوند اکثر یا خصوصی سازی نوع اول و چهارم ارتباط دارند که در فوق توصیف شدند. بعضی از مواردی که در زیر مطرح می شوند ممکن است جنبه های خاصی از مؤسسات خصوصی را ترسیم نکرده باشند که خارج از ضوابط فوق می باشد (۴).

### فرضیه ها و واقعیاتی در مورد خصوصی سازی

خصوصی سازی آموزش عالی عمدتاً از جنبه های مالی مورد توجه است. بر وجه های دولتی آموزش عالی بنا رکود مواجه هستند و بالاخص در رابطه با بخش های اقتصادی دیگر رو به کاهش دارند. همچنین خصوصی سازی از بعد تأثیر بر کارایی دولتی و بیرونی آموزش عالی و کیفیت آن بررسی می شود. و در واقع بخش خصوصی با سرمایه گذاری در آموزش عالی می تواند به متحر به بهبود کیفیت و اثربخش نه تنها در آموزش خصوصی، بلکه در آموزش عالی دولتی نیز می گردد. به مرور زمان، به دلیل صرفه جویی های ناشی از مقیاس، مؤسسات خصوصی در مقایسه با مؤسسات دولتی (تظیر کشور ژاپن) آموزش با کیفیت بهتر و هزینه کمتر ارائه می گردد. مضافاً کاهش کمک های دولت به آموزش عالی، باعث می شود آثار اثباتشگر کمکها بر توزیع درآمد کاهش پیدا باید و از طریق خصوصی سازی نابرابریها در تأمین منابع مالی آموزش به طور اساسی کاهش پیدا کند.

(نگاه کنید به: ساخارویولوس، ۱۹۸۶؛ ساخارویولوس و وردهال، ۱۹۸۵؛ روث، ۱۹۸۷، جیمز، ۱۹۸۷).

اما از طرف دیگر خصوصی سازی به سه دلیل مورد مخالفت قرار می گیرد. وجود نظام بازار آزاد تضمین کننده سطح سرمایه گذاری اجتماعی مطلوب در آموزش عالی نمی باشد. چرا که آموزش عالی یک کالای نیمه دولتی قلمداد می شود (Tilak, 1992).

همچنین نظام بازار در آگاه ساختن مصرف کننده از هزینه ها و فواید آموزش عالی ناتوان است. از طرفی احتمالاً هزینه های آموزش خصوصی بیشتر از آموزش دولتی است نظیر کشور آمریکا و گرگ جنوبی، نهاناً آموزش عالی خصوصی نقش در توزیع امکانات اقتصادی و اجتماعی ندارد، اما در برابری های اقتصادی و اجتماعی مؤثر است. بر این اساس، آموزش دولتی نه تنها بر آموزش خصوصی برتری ندارد، بلکه مؤسسات خصوصی نیز بدون حمایت دولت قادر به ادامه کار نخواهند بود.

استدلالاتی فوق که له و علیه خصوصی سازی از جانب موافقین و مخالفین آن ارائه می شود باید مورد مطالعه و بررسی تجربی قرار گیرد، در غیر این صورت تحت تأثیر استدلال های سیاسی و عقیدتی واقع خواهند شد. استدلال های اساسی بر پایه شواهد متضاد، بندرت از خصوصی سازی حمایت می کنند (Brockman and Pinn, 1978, P.6).

و پختنجه بدون شواهد تجربی این استدلالها ارائه شود به صورت رویانی در ذهن باقی حواعد ماند. نمونه‌ای از این استدلالها در زیر با بهره‌گیری از شواهد تفک در دسترس و مثالهایی از کشورهای مختلف به طور تجربی بررسی می‌شوند.

### اولین فرضیه

تقاضای زیادی برای آموزش عالی خصوصی وجود دارد زیرا که به لحاظ کیفی نسبت به آموزش دولتی برتری بیشتری دارد.

### واقعات

شواهد نشان می‌دهد که کیفیت آموزش عالی خصوصی در مقایسه با دولتی مورد مبالغه قرار گرفته است. در ژاپن، آموزش عالی دولتی تسهیلات بهتری در رابطه با کیفیت آموزش در مقایسه با دانشگاهها و کالجهای خصوصی فراهم می‌سازد. نسبت دانشجوی به استاد در دانشگاههای دولتی هشت به یک است درحالی که در دانشگاههای خصوصی ۲۶ به یک است (James and Benjamin, 1988). در حالی که ۷۵ درصد از کل نبت‌نامه‌های آموزش عالی کشور در مؤسسات خصوصی صورت می‌گیرد، اما استادان این بخش نیمی از کل استادان کشور را تشکیل می‌دهند. در فیلیپین و اندونزی نسبت دانشجوی به استاد در مؤسسات خصوصی سه برابر مؤسسات دولتی است و در تایلند بیش از دو برابر است. این تفاوت در پروزل زیاد نمی‌باشد ولی سهم مؤسسات دولتی بیشتر است و نسبت در مؤسسات دولتی ۱۰ به یک و مؤسسات خصوصی ۱۶ به یک می‌باشد. دانشگاههای خصوصی در ژاپن، کلمبیا، برزیل، آرژانتین، اندونزی و بسیاری از کشورهای دیگر بیشتر از افراد پازنشسته، پاروقت، و با صلاحیت تدریس کمتر استفاده می‌کنند و معمولاً به استادان حقوق و مزایای کمتری پرداخت می‌شود. در ژاپن صرفاً با استفاده از کمکیهای دولتی است که سطح دشمنزه استادان در دانشگاههای خصوصی افزایش می‌یابد. به طوری که، استادان در مؤسسات خصوصی از مرتبه علمی پایین‌تری برخوردارند.

در ژاپن حتی سرانه فضای هر دانشجو و تسهیلات دیگر در مؤسسات آموزش عالی دولتی بیشتر از مؤسسات خصوصی است. در کلیه دانشگاههای خصوصی کمتر از نصف هزینه‌های دانشگاههای دولتی برای هر دانشجو هزینه می‌شود (جدول ۲) برای مثال، در ژاپن سال ۱۹۸۰، هزینه سرانه هر دانشجو در دانشگاههای دولتی ۱۹۸۲۰۰۰ یمن و دانشگاههای خصوصی ۸۲۸۰۰۰ یمن بود. (Kancko, 1987).

صرفاً در دانشگاههای آمریکاست که تفاوتها به نفع دانشگاههای خصوصی است (۵). این شواهد حکایت از آن دارد که تفاوتهای کیفی در واقع به نفع دانشگاههای دولتی است. مهمان ممکن است در مواردی دانشجویان دانشگاههای خصوصی در امتحانات نهایی نتایج بهتری کسب کنند، و این به دلیل آن است که آنها انسانها دانشجویان را به نحو مناسبتری آماده می‌سازند، اما قارآلت‌تحصیل شدن از میان بهترین فارغ‌التحصیلان دال بر آموزش بهتر نمی‌باشد. (Lavy, 1985, P.454).

گرچه کیفیت محصول، مورد نظر می‌باشد، اما درخصوص کارایی آموزش که براساس پیشرفت تحصیلی، ترخهای اتمام تحصیل، ترخهای اقت تحصیلی، ترخهای مشروطی و غیره محاسب می‌شود، آموزش خصوصی قابل مقایسه با آموزش دولتی نمی‌باشد. در این مورد شواهد زیادی مربوط به مدارس وجود دارد ولی راجع به آموزش عالی موجود نمی‌باشد. با در نظر گرفتن مدارس، مطالعات اخیر نشان دادند که مزیت آموزش در پرورش تخصص با توجه به پیشرفت تحصیلی رایج، یک دانش‌آموز

متوسطه منحنی در نیمی باشد. کمین و دیگرن (۱۹۸۱) نیز همین گزارش را ارائه داده‌اند. اطلاعات محدودی که در مورد آموزش عالی وجود داشته، موضوع برتری آموزش خصوصی را مورد تردید قرار داده است. نرخهای اکت تحصیلی کالجهای خصوصی در مقایسه با کالجهای دولتی در تایلند (NEC, 1989, P.287) و در فیلیپین (Arcejo and Sanyal, 1987, P.154) و نرخهای مشروطی در کلمبیا بیشتر هستند (Patrinos, 1990).

بررسی دانشگاههای خصوصی در اندونزی کمتر از دانشگاههای دولتی است. (Pratiwiandati, 1985, P.11). در فیلیپین، زمانی که دسترسی عمومی به آموزش خصوصی افزایش یافت، کیفیت و استانداردهای آموزش عالی به حدی تنزل پیدا کرد که بسیاری از افراد خواستار محدودیت سیاست خصوص‌سازی برای گسترش آموزش عالی شدند و گسترش مؤسسات تحت حمایت دولت را تقاضا کردند. (Tan and Alonzo, 1987). در برزیل و پرو، کیفیت آموزش عالی خصوصی نامناسب ارزیابی شده است. (1985, P.453).

در هندوستان، به استثنای مؤسساتی که توسط دولت به رسمیت شناخته شده‌اند، کالجهای خصوصی که کمک از جانب دولت دریافت نمی‌کنند، اساساً به لحاظ تقاضای زیاد برای آموزش عالی بالاخص در میان طبقات مرفه که توانایی دسترسی به آموزش عالی دولتی را نداشته‌اند گسترش یافته است. و کیفیت این مؤسسات بنفرت مطلوب، ارزیابی شده است. همچنین رشد این مؤسسات به خاطر امکان پرداخت دستمزدهای بیشتر با کیفیت آموزش عالی بالاتر می‌باشد (Breneman, 1988). بالاتر از همه بسیاری از دانشگاهها و کالجهای خصوصی غیرممتاز نظیر کشورهای آمریکای لاتین ایجاد شده‌اند که هدف آنها به جای آموزش عالی صرف پرداختن به کارآموزی ضمن خدمت است. جنبه‌های کارایی و برابری از مواردی است که گفته می‌شود به هنگام مقایسه آموزش عالی دولتی و خصوصی باید مورد توجه قرار گیرند چرا که کارایی آموزش عالی دولتی به طور معنی داری در حال افزایش است؛ اما در کشورهای که بخشهای خصوصی کاملاً مسلط بوده با نقش حاشیه‌ای داشته‌اند، زمینه مناسبی برای رقابت وجود ندارد و در نتیجه، بخش خصوصی ممکن است بسیار نارسا یا به لحاظ اقتصادی نامطلوب باشد (۶). در این دو زمینه راجع به کارایی و برابری آموزش عالی خصوصی چندان نتایج قانع‌کننده‌ای به همراه نخواهد داشت.

## فرضیه دوم

به طور گسترده‌ای این باور وجود دارد که فارغ‌التحصیلان دانشگاههای خصوصی از مزایای بالاتری من جمله نرخهای بیکاری کمتر، مشاغل بهتر و متعاقباً درآمدهای بیشتری برخوردارند. (Arcejo and Sanyal, 1987 b; Patrinos, 1990). به طور خلاصه، کارایی بیرونی آموزش عالی خصوصی بیشتر از آموزش عالی دولتی است و این دلیل گسترش خصوصی‌سازی است.

## والعیات

شواهد تجربی این فرضیه‌ها را تأیید نمی‌کنند. در فیلیپین نرخهای بیکاری جوانان فارغ‌التحصیلان دانشگاههای خصوصی دوبرابر بیشتر از دانشگاههای دولتی است. (Arcejo and Sanyal, 1987, P. 190). همچنین در سایلند ۷۷ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها، خصوصی و ۱۳/۳ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاههای دولتی در طول اولین سال فارغ‌التحصیلی بیکار هستند. (Setapanich et al, 1990, P. 420).

دانشگاههای خصوصی در قمرس به خاطر تورم دادن مدرک با مسئله جدی بیکاری فارغ‌التحصیلان مواجه هستند. (Kozicki, 1989, P. 18)

محاسبه نرخهای بازده - خلاصه آمار مربوط به اثربخشی نظام بازرگانی آزاد با پیرونی آموزشی (در جدول ۵ ارائه شده است) - نشان می‌دهد که آموزش عالی دولتی نسبت به آموزش عالی خصوصی نرخ بازده بیشتری دارد، بلاخص از دیدگاه بسیاری از افراد در کشورهای مختلف متجمله ژاپن، نیلپین و تایلند نرخهای بازده اجتماعی دانشگاههای دولتی کشور تایلند در مقایسه با دانشگاههای خصوصی کمی بیشتر است و افکار عمومی نیز این را تصدیق می‌کنند.<sup>(۷)</sup>

### فرضیه سوم

مؤسسات خصوصی، بخش قابل توجهی از بازار آموزش عالی را تأمین می‌کنند.

### واقعیات:

دولتهای نظیر مانزی هر ساله منابع قابل توجهی برای گسترش مؤسسات آموزش عالی خصوصی اختصاص می‌دهند، در حالی که رشد و گسترش مؤسسات آموزش عالی دولتی محدود شده است. در تایلند، گرچه ۳۰ درصد از دانشجویان در مؤسسات خصوصی آموزش می‌بینند، اما نسبت هزینه‌های دولتی به هزینه خصوصی در آموزش عالی ۹۷/۳ درصد است. (Mahabadi, 1985). ممکن است تخصیصهای مستقیم به آموزش عالی خصوصی زیاد نباشد، اما کمکهای تطویری یا حمایتیهای غیرمستقیم دولتی به دانشجویان برای ادامه تحصیل یک منبع مهم تأمین مالی برای دانشگاههای خصوصی در ایالات متحده آمریکا است. کمک هزینه‌های دولتی در مقابل فرضیه خصوصی‌سازی کامل دانشگاهها نیز وارد شده، کشیبا، پیل و غیره است.<sup>(۸)</sup> (Lacy, 1986 b, P. 171). حدوداً ۸۵ تا ۹۰ درصد از منابع کمک هزینه در کانفرنسیا، به دانشجویان دانشگاههای خصوصی اختصاص می‌یابد در حالی که نسبتهای خصوصی صرفاً ۱۰ تا ۱۲ درصد از کل اشتباههای دولتی است. (Lacy, 1986 b, P. 174). در ژاپن ۲۱/۵ درصد از هزینه آموزش عالی خصوصی نسبت به بخش کمکهای دولتی توزیع شده (این رقم در سال ۱۹۵۱ صفر درصد بوده است). کمکهای دولتی به مؤسسات آموزش عالی در ژاپن به خاطر ورشکستگی آنها بوده است.

### فرضیه چهارم

بخش خصوصی جوابگوی نیازهای اقتصادی افراد و جامعه است و آموزشهای مناسبی ارائه می‌دهد. مزیت عمده دانشگاههای خصوصی به آن لحاظ است که تقاضاهای بازار به نحو مؤثر و سریع پاسخ می‌دهند. (Balas, 1990, P. 17)

### واقعیات

در بسیاری از کشورها، مؤسسات آموزش عالی خصوصی عمدتاً آن گونه از رشته‌های تحصیلی را ارائه می‌دهند که نیازمند سرمایه گذاری کمتری است. این موضوع واقعیت دارد که دانشگاههای خصوصی نه تنها کمتر به فعالیت‌های تحقیقاتی می‌پردازند؛ بلکه آموزشهای حرفه‌ای و تجاری ارزش نیز ارائه می‌دهند، نمونه این دانشگاهها در کشورهای آمریکای لاتین و کانجیهای

رساله جامع علوم انسانی

همواری، در گوالای هندوستان (Nair and Ajil, 1984) وجود دارد. همان طور که جدول ۶ نشان می دهد، هیچکدام از مؤسسات خصوصی در بریلیوی در رشته های حقوق، پزشکی، علوم پایه و مهندسی آموزش ارائه نمی دهند، اما ۸۵ درصد در رشته های بازرگانی و ۱۲ درصد در علوم انسانی فعالیت دارند، در پرو، کلمبیا و اکوادور، درصد قابل توجهی از آموزشها در رشته های پزشکی و علوم پایه است. به بیان دیگر، هنگامی که سود اقتصادی بالایی وجود داشته باشد، بخش خصوصی در زمینه رشته های فنس و مهندسی و پزشکی فعالیت می کند؛ نظیر هندوستان. (Kumar, 1986) به طور کلی تحقیقات و نیازهای آموزش گسترده برای اقتصاد بندوت توسط بخش خصوصی ارائه می گردد. مؤسسات خصوصی در ارائه آموزش بیشتر منافع فردی را در نظر دارند و کمتر منافع اجتماعی را مورد توجه قرار می دهند و به نیازهای بازار در کوتاه مدت پاسخ می دهند، درحالی که اصلاح آموزش نیازمند برنامه ریزی بلندمدت است نه تغییر سریع یک کالا برای پاسخگویی به نیازهای متغیر و مطابق روز. (Pank, 1987, P. 42)

### فرضیه پنجم

انتظار عمومی بر آن است که مؤسسات خصوصی بر اساس انگیزه های کاملاً نفع دوستانه به تأسیس کالجها و دانشگاههای خصوصی اقدام می ورزند و سرمایه گذاری زیادی در آموزش عالی انجام می دهند.

### والفیات

مؤسسات خصوصی عموماً با بهره گیری از شهریه های دانشجویان با کمکی دولتی تأسیس می شوند. مؤسسات انکی با منابع شخصی ایجاد می شوند. این مؤسسات در واقع نظیر بازار آزاد عمل می کنند. و کلیه هزینه ها و منافع آن را از منابع دیگر تأمین می کنند. برای مثال در ژاپن ۷۰ درصد از هزینه های آموزش عالی در مؤسسات خصوصی توسط شهریه ها تأمین می شوند. در جمهوری کره این سهم ۸۴ درصد است و سهم منابع مالی دیگر نظیر وقف و بخشش چشمگیر نمی باشد. در ایالات متحده آمریکا سهم هزینه ها صرفاً یک سوم کل هزینه ها را تشکیل می دهد. مؤسسات خصوصی تقریباً در سراسر دنیا به فعالتهای آموزش سودآور می پردازند (نظیر برزیل و هندوستان).

کالجهای خصوصی که در هندوستان کمتر مورد حمایت دولت قرار می گیرند، به امید وقفهای قابل توجه و شهریه های بالایی هستند که ده تا بیست برابر کالجهای وابسته به دولت است. دانشگاهها و کالجهای غیرانتفاعی علاوه بر تأمین هزینه های خود، منافع قابل توجهی بدست می آورند که لسانیا در آموزش عالی سرمایه گذاری نمی شود. در این زمینه بندوت آمار و ارقام مشخصی وجود دارد. (Mishra, 1990) در وضعی می توان گفت که آموزش عالی به صورت یک کالای تجاری کم ارزش درآمدی است.

### فرضیه ششم

عموماً گفته می شود آموزش عالی خصوصی نخبه گراست و نیازهای طبقات مرفه را تأمین می سازد. برای مثال، همان گونه که قبلاً بیان شد (Mishra, 1986) براساس شواهدی که در مورد مدارس وجود دارد، فواید آموزش در مؤسسات خصوصی

معدن<sup>۲۰</sup> به نخبگان برمی گردد، درحالی که آموزشهای کم کیفیت و ارزاقیبت به دیگر دانش آموزان ارائه می شود.

## واقعیات

دانشگاههای خصوصی عموماً به افراد صرفه خدات عرضه می دارند. دانشجویان دانشگاههای خصوصی در کلمبیا از طبقات حرفه هستند و تنها دو درصد از آنان در ردیف طبقات پایین و ۱۳ درصد آنان متعلق به ۲۰ درصد گروههای درآمدی پایین هستند. همین وضعیت در ژاپن نیز وجود دارد. در ناپلند درآمد والدین دانشجویان دانشگاههای خصوصی به طور متوسط یک و نیم برابر دانشجویان دانشگاههای دولتی است. عموماً ساختن آموزش عالی به طور قابل ملاحظه‌ای جنبه نخبه گرایی آموزش عالی را کاهش داده است. در آمریکای لاتین وجه ویژه آموزش عالی بخش خصوصی، نخبه گرایی اجتنامی است که حاصل مهمی در افزایش بخش خصوصی شده است. (Levy, 1985). مؤسسات خصوصی حالت نخبه گرایی به آموزش عالی فزایدند. در کشورهایی که آموزش عالی خصوصی همومیت دارد و آموزش عالی دولتی محدود شده است نظیر ژاپن، فیلیپین و برزیل، حالت نخبه گرایی دقیقاً مشهود نمی باشد، چراکه در دانشگاههای خصوصی نشانهای مهمی وجود دارد. بعضی از مؤسسات آموزش عالی خصوصی به طور زیادی نخبه گرا و انتخابی و بعضی دیگر عموماً هستند. در این کشورها، دانشگاههای خصوصی نخبه گرایی اندکی وجود دارد و تعداد زیادی از کالجها و دانشگاههای خصوصی با کیفیت و هزینه‌های پایین وجود دارد. مثلاً در کلمبیا و برزیل، به طور کلی گرچه شهر به‌ها در دانشگاههای خصوصی در مقایسه با دانشگاههای دولتی بسیار بالاست اما ورود به آنها نسبتاً انتخابی می باشد. برای مثال در آمریکا و ناپلند شهر به هر دانشجوی در دانشگاههای خصوصی پنج برابر دانشگاههای دولتی است، این نسبت در ژاپن دورنیم به یک است، اما از آنجایی که دسترس به آموزش عالی دولتی محدود است، دانشجویان طبقات بالا یا حرفه‌ای کم و پیش مجبورند به دانشگاههای خصوصی بروند. با این وجود دانشگاههای دولتی به خاطر جنبه‌های مالی و آموزش همواره مورد تقاضای اکثریت دانشجویان قرار دارند. (Levy, 1985, P. 426)

## فرطیه حتم

اکثر مؤسسات آموزش عالی دولتی سیاسی هستند اما صرفاً دانشگاههای خصوصی است که عاری از وابستگی سیاسی می باشد.

## واقعیات

مسلماً عدم کفایت سیاستهای دولتی منجر به رشد بخش خصوصی می شود. در بعضی از کشورهای آمریکای لاتین که سیاستهای دولتی در دانشگاههای دولت متعادل به فعالیتهای سیاسی جبهه‌گرا هستند، دانشگاههای خصوصی برای مقابله با این نیروها گسترش یافته‌اند. آموزش خصوصی به یک قدرت سیاسی تبدیل شده است، و به ما تریله ساختار طبقاتی کمک می کنند (Salter und Taper, 1985). در بسیاری از کشورها، حمایت دولت از دانشگاههای خصوصی با توجه به عوامل مهندسی و سیاسی است که اصطلاحاً - عوامل اقتصادی - سیاسی نامیده می شود. برای مثال در هندوستان بیش از نیمی از کالجهای مهندسی خصوصی در ماهاراشترا توسط سیاستمداران تأسیس شده است. و با اهداف سیاسی از آن بهره‌برداری می شود.



نگیزه‌های نفع طلبانه و قدرت سیاسی بر رشد کالجهای خصوصی تأثیر می‌گذارد. (Rudolph and Rudolph 1987, P. 296)  
(Korbari, 1986)

### فرضیه هشتم

خصوصی سازی آموزش عالی نظیر آموزش دولتی منجر به بهبود توزیع درآمد می‌شود. (Psacharopoulos, 1977;  
(Blawy, 1982)

### والصیات

شواهد موجود در ژاپن نشان می‌دهند - یکی از معدود کشورهای که در این زمینه تحقیقات قابل توجهی انجام داده است - دانشگاههای دولتی نسبت به دانشگاههای خصوصی در انتفاع منابع از قشر مرفه به نفعهای دیگر عملکرد بالاتری دارند. در بخش مدارس، سودهندی مؤسسات دولتی بیشتر بوده است (Jamex and Benjamin, 1988, P. 127).  
در هندوستان، قدرت نظام آموزش خصوصی به گونه‌ایست که به نابرابریها کمک می‌کند و بخش دولتی منابع کافی برای مقابله با این قدرت را ندارد. در نتیجه، نظام آموزشی به طور کلی به عنوان عامل مهمی در افزایش نابرابریهای درآمدی تبدیل شده است (Dasgupta, 1979)

### ارزیابی دلایل موافق و مخالف خصوصی سازی آموزش عالی

قلاً - خصوصی سازی در چهار مقوله مورد بحث قرار گرفت:

الف - عمر می‌سازی کامل (کثرت مؤسسات خصوصی باشند).

ب - خصوصی سازی مسلط باشد (باز باشد گن - ۱۹۸۰).

ج - خصوصی سازی متعادل باشد (باز یافت بخش از هزینه‌ها).

د - همه خصوصی (بخش خصوصی که مورد حمایت دولت است).

تحلیل فوق تا اندازه زیادی به مورد اول و آخر اشاره دارد. بر اساس شواهد موجود در بعضی از کشورهای عمده جهان، این تحلیل بعضی از فرضیه‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

در بسیاری از کشورهای، رشد خصوصی سازی به طور زیادی ناشی از قصد دانشگاههای دولتی قلمداد می‌شود. دانشگاههای خصوصی یقیناً مشارکت مثبتی در این زمینه خواهند داشت. دانشگاههای خصوصی در بعضی از کشورهای، نظیر ایالات متحده آمریکا، در تنوع، استقلال، کیفیت، تمرینش و نوآوری روشهای منحصر به فرد و سپس دارند (Breneman and Finn, 1978, P.6)

در کشورهای مانند ژاپن، امر دانشگاه خصوصی، هویت، سنت و فرهنگ مخصوص خود را دارد. برعکس، دانشگاههای دولتی به سختی نوع و سانت منحصر به فرد دارند از این نظر، خصوصی سازی موجب می‌شود شانس افراد برای اسباب روح و کیفیت آموزش عالی افزایش یابد؛ اما تأکید بر اولویتهای فردی با هزینه اجتماع باید مورد توجه باشد (Ping, 1987, P.292).

در بسیاری از کشورها آموزش عالی بار سنگینی را بر دوش دانشگاه‌های دولتی و کامیونیتی می‌گذارد. یک مثال قابل ذکر مورد کشور شیلی می‌باشد. در این کشور به دنبال افزایش آموزش عالی خصوصی هزینه‌ها از ۱۷۱ دلار در سال ۱۹۸۸ به ۱۱۵ دلار در سال ۱۹۸۸ کاهش یافت (Schiefelbein, 1990). در صورت عدم گسترش آموزش عالی خصوصی دولت‌ها یا باید تخفیف‌هایی فزاینده برای آموزش عالی را محدود سازند یا اینکه با محدودیت منابع مالی مواجه شوند. در واقع، لبات سیاسی و اقتصادی در بعضی از کشورهای آمریکای لاتین شامل تهدیدکننده‌ای در مقابل خصوصی‌سازی بوده است. (Levy, 1985, P. 451). به هر حال در اکثر موارد، منابع لو دانش‌آموزان دریافت می‌گرددند از منابع خصوصی دیگر. مؤسسات خصوصی نه تنها نیروی انسانی برای بخش خصوصی تربیت می‌کنند، بلکه نیازهای بخش دولتی را نیز برآورده می‌سازند. همچنین دانشگاه‌های خصوصی نظیر کشور یونان معتقدند که باعث کاهش اعزام دانشجویان به دانشگاه‌های خارجی می‌شوند (Pacharapoulos, 1988).

معهد اهداف استراتژی آموزش عالی خصوصی در کل به طور زیادی به ضرورت دولت است زیرا اولاً بخش خصوصی تبدیل به یک بخش سودآور می‌شود، این موضوع نه تنها به خاطر قدرت سیاسی آنان است بلکه به خاطر بازده مالی و منافع است، که مؤسسات آموزش خصوصی این منافع را برای فعالیت‌های خیرقانونی در آموزش ذخیره می‌سازند؛ اما به مؤسسات آموزش دولتی در بسیاری از کشورها اجازه این کار داده نمی‌شود و هنگامی که دولت‌ها درصدها پرمی آیند برای درآمد‌ها مقرراتی از طریق موسسه‌های دولتی و محدود ساختن سطح شدت‌ها، وضع نمایند. گنیه مؤسسات خصوصی در یک چهارم، ۵۰ درصد، ۱۰۰ درصد و آن تخفیف برای موسسه‌هاست. در کوتاه مدت، موسسه‌های دولتی مشکلات مالی دانشگاه‌های خصوصی را کاهش می‌دهد نظیر مورد برزیل، اما در بلندمدت موجب تقویت و حتی سازی مؤسسات خصوصی با استفاده از هزینه‌های دولتی می‌شود. در نتیجه در بسیاری از کشورها امروزه کنج‌های بخش خصوصی حجت و گونگی دارند. با غیرقانونی برای انجام دادن مطالبات قانونی تشکیل می‌شوند یا قانونی برای انجام دادن کارهای غیرقانونی را مانع می‌شوند (Sing, 1983).

ثانیاً دانشگاه‌های خصوصی با تمرکز بر رشته‌های سودآور، ارزش‌ها و رشته‌های تجاری، آموزش‌های حرفه‌ای تحت نام آموزش عالی ارائه می‌دهند و مفهوم کلی تر آموزش عالی نادیده گرفته می‌شود. دانشگاه‌های خصوصی همچنین به طور کلی تحقیقات را که برای توسعه آموزش عالی مطلوب و اساس هستند، نادیده می‌گیرند.

ثالثاً، مؤسسات خصوصی با تغییر شهریه‌ها، نابرابریهای اقتصادی، اجتنامی حیران‌ناپذیری بین گروه‌های فقیر و غنی جامعه بوجود می‌آورند. مطالعه بانک جهانی نشان داد که آموزش خصوصی، نه تقسیم‌بندی به لحاظ اقتصادی و اجتنامی منجر می‌شود (Pachan) Poulos and Woodhall, 1985, P. 144). رشد سریع خصوصی‌سازی بر دسترس گروه‌های کم‌درآمد به آموزش عالی تأثیر منفی گذاشته است.

چهارم، عموماً گفته می‌شود که آموزش عالی بخش خصوصی معمولاً بر بخش دولتی برتری دارد؛ اما به عنوان آن نیست که گسترش آموزش عالی خصوصی به عنوان یک سیستم برتر منطقی است (Levy, 1985, P. 458).

به طور خلاصه، آموزش خصوصی به لحاظ اقتصادی، تمرینش، کیفیت، برتر و به لحاظ اجتنامی عادلانه نمی‌باشد. لذا بیخ آن می‌رود که افزایش آموزش عالی خصوصی، در مقایسه با مزایای آن، مشکلات بیشتری به همراه داشته باشد. نظیر مشکلاتی که در کشور کوبا بوجود آمده است (Parrino, 1990, P. 169). بدین ترتیب، عدم تناسب جنبه بازاری آموزش عالی بخش خصوصی کاملاً آشکار است.

### الگوی مناسبی برای خصوصی سازی

خصوصی سازی نوع دوم و سوم که قبلاً مورد بحث قرار گرفت، به خاطر مسائل بشماری که دارند توصیه نمی شوند. از آنجایی که آموزش عالی یک کالای نیمه عمومی است، لذا امکان باز یافت صد درصد هزینه‌ها امکان‌پذیر نمی باشد. به بیان دیگر نوع دوم نه امکان‌پذیر و نه عملاً انجام‌گرفتنی است. همچنین، از آنجایی که افراد از آموزش عالی منتفع می شوند، طبیعی است که از آنها خواست شود تا هزینه‌های آموزشی خود را بپردازند (Tilak, 1992) و تقلیل یافتن تواناییهای اقتصادی دولت‌ها پرداختن هزینه‌ها را توسط مصرف‌کننده ضروری می سازد. از این رو بحث انتخاب صرفاً به نوع سوم مربوط می شود.

نوع سوم آموزش عالی خصوصی مشتمل بر شدت‌گام آموزش دولتی است که سطوح قبایل قبول از هزینه‌ها توسط مصرف‌کنندگان پرداخت می شود. به بیان دیگر، قسمتی از هزینه‌های کل آموزش عالی پرداخت می شود. در این زمینه، پیشنهادی چندی از سوی کشورهای مختلف ارائه شده است؛ نظیر افزایش شهر به‌ها، وام‌های دانشجویی، مالیات بر فارغ‌التحصیلان و غیره (World Bank, 1986). بعضی از این موارد در معدودی از کشورها به اجرا گذاشته می شود. تجربه آن کشورها نشان می دهد که هر کدام از موارد بکار گرفته شده دارای نقاط قوت و ضعفی هستند. مانیات بر عاریت‌التحصیلان اثربخش خواهد بود چنانکه سن آموزش، شغل و تولد رابطه مستحکم موجود باشد و بین رشته‌ها و انواع مختلف آموزش عالی میزان حائزینش پایین باشد به نحوی که فارغ‌التحصیلان با بیکاری مواجه نشوند. وام‌های دانشجویی با مالیات آموزش عالی و از سال به آینده منتقل می سازد و برای تمرینش وام‌ها باید بازدهی اعتباری برای وام‌های آموزش مختلف مورد نیاز گسترش یابد. بدون اینکه باز یافت وادها با مسائل جدی مواجه شود. از من مورد ذکر شده به نظر می رسد، شهریه‌ها مؤثرترین روش باشند. تجربه جمهوری کره در این زمینه قابل توجه است. تقریباً نیمی از هزینه‌های آموزش عالی خصوصی توسط اتحادیه‌ها از دانشجویان تأسیس می گردد. (جدول ۲۷) به هر حال بکارگیری روش واحد افزایش شهر به‌ها، به نظر می رسد نرخ‌گذاری انتخابی مؤثرتر و عادلانه‌تر باشد. (Tilak and Varghese, 1985; Jimenez, 1987; Tilak, 1990).

با توجه به نرخ‌گذاری انتخابی، دانشجویان متعلق به طبقات اقتصادی و اجتماعی مختلف نرشتهای متفاوتی از شهریه خواهند پرداخت، که بر اساس توانایی دانشجویان و هزینه‌ها وشته‌ها خواهد بود. این نوع خصوصی سازی مؤثرترین روش است که منابع خصوصی اضافی برای آموزش عالی فراهم می سازد. همچنین عادلانه‌تر می باشد چرا که ساختارهای دوگانه‌ای از آموزش عالی نظیر آنچه قبلاً بیان گردید به وجود می آورد.

همانگونه که پینگ (1987, P.291) خاطر نشان ساخته، مسئله کودکان درست مانند آن چیزهایی نیست که والدین آنها برای تمرینش در بازار کار آموزش دیده‌اند. در واقع این نوع خصوصی سازی مسائل انکوائی دیگر خصوصی سازی را ندارد و نقاط قوت خاصه خصوصی سازی، دانشکار می سازد.

## توضیحات:

- ۱- گرچه مکانیسم خصوصی سازی عموماً مستحکم می باشد، اما سهم بخش خصوصی در بخشنامه‌های آموزش عالی در آمریکا حدوداً از صنف در سال ۱۹۵۰ به یک چهارم در سال ۱۹۸۸ رسیده است.
- ۲- برای مثال، در سال ۱۹۸۸ رشد سریع تقاضا بالاخص تقاضاهای دانشجویان خارجی برای ورود به آموزش عالی در کشور آمریکا، منجر به خصوصی سازی آموزش عالی دولتی گردید.
- ۳- انواع دیگر خصوصی سازی پیشنهاد شده است. (برای مثال گذر یا هر سال ۱۹۹۰ را ببینید).
- ۴- دانشگاهها، کالجها و دیگر مؤسسات آموزش عالی - دولتی یا خصوصی - به لحاظ اندازه و ویژگیهای دیگر متعاری هستند.
- ۵- نظام آموزش عالی در آمریکا به نظر می رسد با توجه به ویژگیهای دیگر با آموزش عالی کشورهای دیگر متفاوت باشد.
- ۶- در حالی که کشورهای آمریکای لاتین مثال غرض از نگوی نوع اول هستند، کشورهایی نظیر هندوستان مثالی از نوع دوم می باشند.
- ۷- در کوبا، مدارس دولتی در مقایسه با مدارس خصوصی ۵۰ درصد یازده بیشتر هم برای افراد و هم جامعه دارند (مارامیس). (Knight and Sabot, 1990). همچنین مطالعات ساختار و پولوس در مورد کشورهای تانزانیا و کنگو را ببینید (۱۹۸۷).
- ۸- طرح کوبنهای آموزش در همین زمره قرار می گیرند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### جدول پیوست

جدول ۱- روندهای خصوصی سازی در کشورهای منتخب (درصد ثبت‌نامها در آموزش عالی خصوصی)

کشور	سالهای اولیه		سالهای اخیر		درصد تغییر
	۱۹۵۳	۳۳/۶	۱۹۸۳	۶۰/۲	
کلمبیا	۱۹۵۰	۵۷	۱۹۸۰	۸۱/۳	-۲۲/۳
جمهوری کره	۱۹۵۵	۵۵/۲	۱۹۸۶	۷۶/۹	-۲۱/۷
آمریکای لاتین	۱۹۵۵	۱۲/۲	۱۹۷۵	۳۳/۷	-۱۹/۵
تایلند	۱۹۶۷-۷۱	۱/۹	۱۹۷۷-۸۱	۵/۵	-۳/۶
آرژانتین	۱۹۷۰	۱۲/۶	۱۹۸۷	۹/۸	-۲/۸
آمریکا	۱۹۵۰	۲۹/۷	۱۹۸۸	۲۲/۷	-۲۵

منبع: کلمبیا: پائینسن، ۱۹۹۰، ص ۱۱۶۳ و ژاپن و آمریکا: کانکو، ۱۹۸۷، ص ۳۷، کهن و جیسک، ۱۹۹۰، ص ۱۷۳- جمهوری کره: لری، ۱۹۸۷، ص ۵۶، آمریکای لاتین: لوی، ۱۹۸۵، تایلند: فالاکول، ۱۹۸۵، ص ۵۶، آرژانتین: بالان، ۱۹۹۰، ص ۱۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

جدول ۲- ثبت نامها در آموزش عالی دولتی و خصوصی (درصد)

کشور	سال	دولتی (%)	خصوصی (%)	کل (هزار نفر)
فیلیپین	۱۹۸۲-۸۵	۱۵/۳	۸۲/۷	۱۵۰۲
جمهوری کره	۱۹۸۶	۲۳/۱	۷۶/۹	۱۲۶۲
ژاپن	۱۹۸۹	۲۲/۲	۷۲/۶	۲۰۶۷
اندونزی	۱۹۸۵-۸۶	۳۳/۳	۶۶/۷	۹۰۰
کلمبیا	۱۹۸۳	۳۹/۶	۶۰/۴	۳۵۶
سوریه	۱۹۸۶-۸۷	۲۱/۹	۵۸/۱	۳/۵
برمه	اواسط ۱۹۸۰	۲۲	۵۸	ن
بنگلادش	اواسط ۱۹۸۰	۲۳	۵۸	ن
هندوستان	اواسط ۱۹۸۰	۲۳	۵۷	ن
پاکستان	۱۹۶۸	۲۹	۵۱	۱۵۱
شیلی	۱۹۸۶-۸۷	۵۲/۵	۲۵/۵	۲۳۳
برزیل	۱۹۸۳	۶۲/۸	۲۵/۲	۶۹۳
مالزی	اواسط ۱۹۸۰	۷۶	۲۲	ن
آرژانتین	۱۹۸۷	۹۱/۲	۹/۸	۷۵۳۱
گینه سائو	اواسط ۱۹۸۰	۹۲	۶	ن
تابله	اواسط ۱۹۸۰	۹۲	۶	ن
اسپانیا	۱۹۸۱-۸۲	۹۷	۳	ن
چین	اواسط ۱۹۸۰	۱۰۰	-	-
سریلانکا	اواسط ۱۹۸۰	۱۰۰	-	-
آمریکا	۱۹۸۸	۷۵/۳	۲۲/۷	۸۵۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

جدول ۳- درصد پهنشهای خصوصی و دولتی در آموزش عالی: مؤسسات

کشور	سال	دولتی	خصوصی	کل (%)
جمهوری کره	۱۹۸۶	۱۹/۲	۸۰/۹	۲۵۶
فیلیپین	۱۹۸۵-۶	۲۷/۶	۷۲/۲	۱۱۵۹
ژاپن	۱۹۸۵	۲۸/۸	۷۱/۷	۱۱۰۳
برزیل	۱۹۸۳	۸۳/۹	۱۶/۱	۱۲۲
آمریکا	۱۹۸۰	۸۲/۵	۱۵/۵	ن
پاکستان	۱۹۷۶-۷۷	۹۶/۱	۳/۹	۴۳۳

۱- تعداد واقعی

ن - موجود نیست

منبع: جمهوری کره: لی، ۱۹۸۷، ص ۱۵۶ فیلیپین: لنگرین، ۱۹۹۰، ص ۱۳۲ ژاپن و آمریکا: کانکو، ۱۹۸۷، ص ۱۹۳ برزیل: شوارتزمن، ۱۹۸۸، ص ۱۱۰۰ پاکستان: جیمز و نان، ۱۹۹۷، ص ۱۷۸.

جدول ۲- هزینه سرانه دانشجو در آموزش عالی (دولتی و خصوصی)

کشور	سال	نسبت
نارلند	۱۹۷۷-۸۱	۲/۶۵
جمهوری کره	۱۹۸۵	۲/۷۱
ژاپن	۱۹۸۰	-/۸۲
آمریکا	۱۹۸۸	۱/۶۰

منبع: نارلند: مالاکول، ۱۹۸۵، ص ۱۵۹ جمهوری کره: کیم، ۱۹۹۰، ص ۱۲۲ ژاپن: کانکو، ۱۹۸۷، ص ۱۲۹ آمریکا: کرهن و جسک، ۱۹۹۰، ص ۱۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## جلول ۵- درصد نرخهای بازده آموزش عالی خصوصی در مقابل دولتی

دولتی	خصوصی	
۱۸	۱۵	آمريکا نرخهای بازده خصوصی
۱۹/۵۱	۱۰/۲۶	کانادا نرخهای بازده خصوصی
۹/۴۸	۹/۷۵	نرخهای بازده اجتماعی
۱۲/۵۵	۸/۷۵	فيلپين
		ژاپن
		نرخهای بازده خصوصی
۹	۷/۵	- در علوم اجتماعی
۹	۷	- در مهندسی
۷/۱	۶/۷	- کل آموزش عالی (۱)
		نرخهای بازده اجتماعی
۷/۶	۷/۸	- در علوم اجتماعی
۶/۶	۷/۱	- در مهندسی
۵/۰	۶/۹	کل آموزش عالی

۱- پائولو ماروپاما، ۱۹۸۵، ص. ۸۰

منبع: آمريکا: لسلاي و برنهيک من، ۱۹۸۸، ص. ۱۶۲ کانادا، کمپيون ملی آموزش و پرورش، ۱۹۸۹، ص.

۱۶۹، فليپين: آرتلوسا سابلال، ۱۹۸۷، ص. ۱۱۶۹ ژاپن: چيمز و پنجامين، ۱۹۸۸، ص. ۱۷۷، ۱۰۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۶- درصد رشته‌های بخش خصوصی و دولتی در آموزش عالی کشورهای آمریکای لاتین

رشته	برزیل	کلمبیا	اکوادور	مکزیک	پرو	آرژانتین (۱)
- بازرگانی						
خصوصی	۵۸	۳۷	۱۳	۳۵	۲۷	۵
دولتی	۱۰	۱۰	۱۸	۲۰	۲۳	۵
- ادبیات						
خصوصی	۱۲	۵	۹	۱	۷	۹
دولتی	۲	۷	۶	۲	۰	-
- حقوق						
خصوصی	۰	۱۶	۶	۶	۵	۲
دولتی	۸	۲	۶	۹	۲	-
- پزشکی						
خصوصی	۰	۲	۱	۲۰	۱	۷
دولتی	۲۱	۹	۱۱	۲۰	۷	-
- علوم پایه						
خصوصی	۰	۲	۳	۱	۶	-
دولتی	۱۵	۱۳	۵	۲	۲	-
- مهندسی						
خصوصی	۰	۱۷	۸	۱۷	۸	-
دولتی	۲۳	۲۶	۱۷	۲۲	۲۹	-

۱- بلان، ۱۹۹۰، ص ۱۶

منبع: لی، ۱۹۸۵، ص ۲۵۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی